

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

موسوی

۰۴ اپریل ۲۰۱۷

## پاسخ به چند سؤال - ۳

ویراستاری چیست؟ - ۲

### ۳- خصوصیات یک ویراستار:

در این مختصر طرف بحثم آن عده از ویراستارانی که به مثابه کارگر فکری نیروی کارشان را به فروش رسانیده، "چگونه باید باشند" آنها را محرکات مادی افزایش مزد و اشتها بیشتر می سازد نیست، بلکه می خواهم به ارتباط آن عده از افرادی، اندکی مکث نمایم که اینجا و یا آنجا بدون دستمزد و یا کدام انتظار مادی دیگری از پگاه تا بیگاه، روزانه ساعت ها با خواندن مقالات، تصحیح اشتباهات و رفع نواقص و کاستی های نوشته های نویسندگان نامدار و بی نام اشتغال دارند، بدون آن که فردی به غیر از نزدیکترین نویسندگان از وجود آنها مطلع باشند. کسانی که به مانند یک پالایشگر خبره الماس، نه تنها الماسهای آماده را در بهترین شکل در دیدرس دیگران قرار می دهند، بلکه بر مینای احساس مسئولیت در قبالت نسل های جوانتر و خیل عظیم تازه کارها و تضمین ادامه کاری، به مانند همان پالایشگر خبره، قطعات پراکنده، بی نظم و آلوده به آهک و لای آن الماس پارچه ها را با پالایش دلسوزانه و بدون آن که به آن پارچه الماس نهفته در آهک ها کمترین خدشه و آسیبی برسد، آماده ساخته به مانند یک گردنبد زیبا تقدیم دیگران می نمایند.

به نظر من و تا جایی که شناخت از تیم ویراستاران پورتال دارم، چنین افرادی می باید دارای خصوصیات آتی باشند:  
- آنها می باید کارشان را چنان دوست داشته باشند، توگویی در زندگانی عشقی بزرگتر از آن ندارند. این دوست داشتن و علاقه به کار، تبارز خود را می تواند در چگونگی انجام کار نشان دهد. آنی که به کارش علاقه دارد و آن را دوست دارد، هیچ گاهی حاضر نمی گردد ماحصل کارش چیزی کم داشته باشد. چنین شخصی به مانند همان هنرمندیست که حین عرضه هر اثر هنری اش، شهرت، اعتبار و سابقه اش را در معرض قضاوت دیگران دیده، خلاف بینندگان و تماشاگران آن اثر که همه متوجه اثر مفروض می باشند، هنرمند شخصاً غرق در ارزیابی نگاه ها و جبین های گشاده و یا ترش کرده ناظران است، تا از آن طریق ارزیابی دیگران را از کارش شاهد باشد.

- کارش را جدی گرفته و این را بداند که ممکن نویسنده و یا نویسندگان بر مبنای اعتماد به وی، حتا نوشته اش را دوباره خوانی نیز ننموده باشد. گذشته از آن، این را هم بداند که وقتی یک نویسنده اثرش را به دست ویراستار می سپارد، مسئولیت نقایص و کاستی های احتمالی در آن اثر، دیگر مربوط به نویسنده نمی شود، بلکه این ویراستار است

که هم در مقابل مردم و هم در مقابل وجدان خودش می باید خود را پاسخگو احساس نماید. این را بدانند که برخورد سهل انگارانه نسبت به یک اثر، چه از لحاظ شکل و چه هم از لحاظ محتوا، ممکن است عوارض و زیانهای را بار آورده به جای گذارد، که با علت وجودی و انگیزه پیدایش اثر در تقابل مستقیم قرار داشته باشد.

- ویراستار می باید به نویسنده احترام داشته باشد، احترام نه بدان مفهوم که وی را بت مقدس و غیر قابل نقد دانسته، بر اشتباهات، کاستی ها و انحرافات احتمالی نوشته اش چشم ببوشد، بلکه بدان مفهوم که احترامش می باید سازنده، مؤثر و رفیقانه بوده کار وی را از خود بدانند. ویراستاران می توانند مطمئن باشند که اکثر مواقع، احترام به نویسنده، احترام و اعتماد متقابل نویسنده بر ویراستار را باعث شده، همکاری آنها برچنان پایه و اساسی استوار خواهد شد که دو طرف نا نوشته ها و ناگفته های همدیگر را بتوانند درک نمایند.

در اینجا بی مورد نخواهد بود بیفزایم، ویراستاران پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" در جریان بیش از ۸ سال کار خستگی ناپذیر و همکاری با نویسندگان محترم پورتال، با تعدادی از آنها که خوشبختانه در قلم شان هم "سرآمد مدعیان فن" اند چنان روابط استوار و عمیقی به وجود آورده اند که چه پورتال و همکاری با آن باشد و یا نباشد، احترام متقابل را چیزی خدشه دار ساخته نمی تواند، به صورت مثال می توان از روابط صمیمانه و توأم با احترام متقابل بین ویراستاران پورتال با آقایان "سدید"، "سعیدی"، "آزاد ل"، "درویش وردک"، "محوئی"، "بهشتی"، "احمد کندهاری"، "خان آقا سعید"، "استاد اسیر"، "آقای ناظم باختری" و ده ها نویسنده و مترجم دیگر همکار با پورتال نام برد.

- ویراستار می باید این را بدانند که مورد اعتماد قرار گرفتن، بدان معنا نیست که کسی خواسته باشد کار خود را بر دوش دیگری گذاشته، از وی بیگاری بکشد؛ بلکه بدان معناست که نویسنده به او چنان اعتماد و اطمینان دارد، که نوزاد اثر پذیرش را به دست وی می سپارد تا وی آن را شکل بدهد. چنین اعتمادی به نظر من مایه افتخار یک انسان می تواند باشد، به صورت مثال وقتی ویراستاری از طرف فردی با گستره معلومات بیکرانه ای به مانند همکار عزیز ما آقای "سدید" که کار شان را بدون عیب و نقص به تمام سایتها همزمان می فرستند، مورد اعتماد، از مشوره دهی تا ویراستاری، قرار می گیرد می باید چنین اعتمادی را افتخارش دانسته، بکوشد تا از طریق بهتر ساختن هر چه بیشتر کارش، پایه های اعتماد را مستحکمتر بسازد.

- ویراستار می باید انسانی باشد شجاع و نترس. شجاعت به دو مفهوم، نخست آن که از انگشت گذاشتن بر نقایص، کاستی ها و اشتباهات مطلبی که برایش رسیده، بدون در نظر داشت این که آن مطلب مربوط چه کسی است و در قبال برخورد نقادانه و ویراستار چه عکس العملی از خود نشان می دهد، نهراسد و شجاعانه آنچه را که به نظرش درست نمی آید، ویراستاری نماید. به مفهوم دیگر، شجاعت انتقاد از خود را داشته باشد. یعنی وقتی متوجه اشتباه خودش می شود، نباید خود را در عقب نام نویسنده و یا اعتبار نشریه مخفی نموده، جرأت انتقاد از خود را از دست بدهد. او باید بدانند که با انتقاد از خود، در نزد آنهایی که ذهن شان کار می کند و اندازه نکاویت شان بیشتر از نابعه بلاهت است، انسان نه تنها خرد و کوچک نمی شود، بلکه در عمل نشان می دهد، که در جریان روند آموزش، تصحیح اشتباهات و زدودن کاستی هایش قرار دارد.

- ویراستار می باید فردی باشد تشنه آموزش و فراگیری. او گذشته از آن که به هر مطلب زیر دستش می باید به مثابه یک اثر قابل فراگیری نظر اندازد، در اساس می باید آماده باشد تا همه روزه بر دانشش بیفزاید. ویراستار مکلفیت فردی و وظیفه ئی دارد تا به علاوه همان بخش مشخص کار حین ویراستاری مثلاً برای آن که یک اثر را از لحاظ شکل و ویراستاری می نماید، تعمیق معرفتش نسبت به قواعد املاء، انشاء، نقطه گذاری، صفحه بندی، عنوان نویسی و... در حدی که برایش مقدور است، به معلومات عمومی و دایرة المعارفی خودش نیز روزمره و بدون انقطاع بیفزاید. او باید

این نکته را با وضاحت کامل درک نماید که عصر ما عصر ایستای قرون گذشته که از یک تغییر تا تغییر دیگری دهه ها زمان لازم بود، نیست؛ بلکه عصر ما عصریست که تحولات در تمام زمینه ها چنان رشد سریعی دارند، که بدون فوت وقت مشکل است، همه را فرا گرفت تا چه رسد به این که کار امروز را به فردا بیندازد.

- ویراستار با تمام شایستگی هایش می باید متصف به تواضع عالمانه باشد. ویراستار باید این را بداند و به بخشی از وجدان مسلکی اش مبدل سازد که "همه چیز را همه کس می داند" و نه تنها هیچ کسی نمی تواند همه کس باشد، بلکه مادر روزگار نیز قادر نیست، تا موجودی را به مثابه "همه کس" یک باره به دنیا آورد. به همین اساس برخورداری از همان تواضع از یک جانب به وی کمک می نماید تا روابط نیکش را با نویسندگان عمق بیشتر ببخشد و از جانب دیگر، این دید را در وجودش تقویت می نماید، تا همه را یکسان ندیده، ضمن آن که آمادگی آموختن از همه کس را دارد، دست آنهایی را که نیاز به کمکش دارند، بدون تفرعن و غرور بگیرد.

- ویراستار می باید با نویسندگانی که مقالات شان را ویراستاری می نماید، گذشته از روابط احترام آمیز کاری، در حد امکان روابط صمیمانه و دوستانه ای را به وجود آورد، که بتواند از ورای کلمات نویسنده، روان و نیت وی را نیز بخواند. فقط در موجودیت چنین روابط دوستانه عمیقی است که ویراستار قادر می شود، وقتی کمبود و یا خطائی را در طرز نگارش نویسنده مشاهده می نماید، به سرعت دریابد که عامل آن خطا و یا کمبود در کجاست و چگونه می تواند آن را رفع نماید.

- ویراستار باید به مانند یک داکتر که حق ندارد راجع به مریضی بیمارش با فرد دیگری صحبت نماید، هیچ گاهی به خود این اجازه و حق را ندهد، تا به منظور بالا نشان دادن خود و یا کم زدن دیگران، از اعتماد نویسندگان سوءاستفاده نموده، نقایص کار آنها را با دیگران در میان گذارد. مگر این که کار ویراستار با نویسنده به بحث بازی کشیده شود، که سبب آن خود نویسنده باشد. نمونه برانده این نوع برخورد، تحمل قیاس ناپذیر ویراستاران پورتال در قبال نابغه بلاهت، "هاشمیان" بود که تا زمانی که خودش به فحاشی، بهتان و افتراء دست نیازید، ویراستاران پورتال، صبورانه اغلاط خارج از شمارش را تصحیح می نمودند، مگر وقتی "هاشمیان" خود خواست تا چلو صافش از آب کشیده شود، ویراستاران پورتال نیز به کمکش شتافته با نشانی کردن بیش از ۱۰۰ غلطی املائی و انشائی در یک مطلب ۴ الی ۵ صفحه ئی وی، به گفته مردم کابل "دامنش را بر پشت سرش پنگ" زده، وی را همان طوری معرفی نمودند که شایسته اش بود.

- فردی که مسؤولیت ویراستاری یک ترجمه را به دوش می گیرد، باید به زبان اصلی که مقاله بدان نگاشته شده و یا به یکی از زبانهای دیگری که آن مقاله ترجمه شده است، آشنائی کامل در سطح مقایسه متن روی دست خودش با اصل مقاله و یا ترجمه اش به زبان دیگر داشته باشد.

- ویراستار می باید به سیاست های نشراتی و اصالیب املائی و انشائی نهادی که برایش کار می کند آشنا، متقن و متمهد باشد. زیرا وقتی وظیفه اش وی را به مثابه پلی بین نویسنده و نهاد نشراتی قرار می دهد، او باید بداند که چگونه همزمان با این که نویسنده را راضی نگه می دارد، وفاداری اش را با خطوط اساسی و پذیرفته شده از جانب نهاد نشراتی مورد نظر نیز حفظ نماید.

- ویراستار این را باید بداند که وی صاحب نوشته نیست و حق ندارد به نوشته تصرف مالکانه نموده، نوشته را چنان به هم بریزد که صاحب نوشته در شناختنش ناکام ماند. ویراستار باید این را بداند که حدود صلاحیت های وی اگر در تطبیق قواعد املائی و اساسات نقطه گذاری و مطابقت آن با اصول اعلام شده از جانب نهاد نشراتی، نا محدود است، در

چگونگی سبک نگارش و تصحیح محتوایی، هر نوع تغییری که به نوشته وارد می نماید باید با موافقت کامل نویسنده انجام بیابد.

هرگاه نویسنده ای حاضر نمی گردد، تا به تصحیح محتوایی نوشته مطابق سیاست های اعلام شده نهاد نشراتی موافقت نماید، ویراستار می باید از حقی که قانون برایش داده، استفاده نموده تا جائی که مربوط به نهاد نشراتی است از جانب نهاد و آنجائی که منوط به اعتقاد شخصی خودش است از جانب ویراستار یادداشت لازمه را در پای نوشته بیاورد. با چنین حرکتی هم نوشته بدون سانسور و تصرف منتشر می گردد و هم خوانندگان آن نشریه متوجه تضاد دو دیدگاه می گردند.

- نکاتی که در بالا تذکار یافت و بسا نکات دیگری که از قلم مانده اند، امری نیستند مطلق و پیش شرط آغاز به کار. بلکه امری اند نسبی که از این فرد تا آن فرد و از این نهاد نشرانی تا آن نهاد نشراتی دیگری فرق می نمایند. آنچه در این میان مهم است سمت حرکت ویراستار به جانب کمال و یا هم در جازدن از جانب وی می باشد.

ادامه دارد